

باطنی ولتر حکایت میکند این است که دونفر از خدمتکاران او خیانتی ورزیدند و او از قضیه مطلع گردید، خدمتکاران در حالتیکه از ترس میلرزیدند برای بوزش و عذر خواهی برابرش خم شدند، این منظره بحدی او را برقت درآورد که بی اختیار اشکش بر گونه ها جاری شده و جلو خدمتکاران خود بزانو در آمد، پس از اینکه ایشان را از زمین بلند کرد فرمود جز در مقابل خدای یکتا برابر هیچکس خم مشوید، این است بزرگی حقیقی و مهتری جلویان که گوشه بر آسمان برین هنوز از تواضع سرش بر زمین عبد الرحمن فرامرزی

بقام احمد فرامرزی

تاریخ جغرافی

تاریخ تدوین جغرافی

تا جائیکه تاریخ شهادت میدهد، نخست ملتیکه جغرافیا تدوین کرده فینقیها بوده اند. فینقیها چون يك ملت اقتصادی و تجاری بودند برای توسعه دائره تجارت خویش علاوه بر اینکه سواحل سه کانه (۱) دریای متوسط را کشف نمودند، از بوغاز جبل طارق گذشته وارد اتلانتیک شده از جهت شمال و شمال شرقی سواحل انگلستان و دریای بالتیک را کشف نموده و از جانب جنوب تا خط جدی رسیدند (۲)

این ملت هنر مند کاری و زحمت کش همانطور که در قسمت مغرب اکتشافات عظیمی نموده در مشرق نیز خدمات بزرگی در این راه انجام

(۱) مقصود از سواحل سه ثانه دریای متوسط - سواحل آسیائی و آفریقائی و اروپائی دریای مزبور است

« ۲ » قبل از فینقیها جزائر انگلستان مثل اینکه جزء دنیا نیست مجهول بوده ولی فینقیها بانجا راه پیدا نموده و با سواحل جنوب غربی جزائر مزبوره تجارت مینمودند و از انجا قلع و آهن و بعضی مواد معدنی دیگر جاب میکردند لیکن فینقیها هیچ چیزی را جمع بنساریخ و اخلاق ننموده و مزایای دینی اجناس نوشته اند

داده است مثلاً کشتیهای آنها بسواحل قلزم و بحر عمان و اقیانوس هند آمد و رفت داشته ، محصولات هندوستان از قبیل عاج و عطورات و ادویه و بعضی حیوانات مثل فیل و میمون برای تجارت جلب نموده و واسطه ارتباط مشرق و مغرب بودند چنانکه تا کنون بعضی اسامی امتهه بزبان هندی در زبان های فینقی و عبری موجود است و این خود بزرگتر دلیل ارتباط فینقیها با هندوستان میباشد. در ایام فینقیها شهر صور مرکز تجارت عالم و نقطه ارتباط شرق و غرب بوده یعنی طرفین اجناس خود را برای فروش بشهر مزبور می آوردند و از آنجا بنقاط مختلفه حمل میشد.

خلاصه فینقیها در مسافرت های خود بعضی از نقاط مجهوله را کشف کرده و مسافتات و فواصل بین شهرها و ممالک را تعیین نموده و تمام آن معلومات را بشکل کتاب تدوین کرده اند که متأسفانه انقلابات روزگار اثر قابلی از آنها برای ما بیادکار نگذاشته است.

عبریهها نیز معلومات گران بهائی در فن جغرافی از فینقیها فرا گرفته اند، زیرا تورات بخیلی از نقاط دور دست اشاره مینماید که حتماً خود عبریهها آن نقاط را ندیده اند بعد از عبریهها نیخاو پادشاه مصر اول کسی است که برای اکتشافات جغرافیائی و توسعه دامنه این علم کمر بسته چنانکه در سال ۶۰۰ قبل از میلاد هیستی مأمور کشف اراضی مجهوله و استقراء احوال زمین نمود، این پادشاه یک دسته از کشتیهای خود بسر پرستی ملاحان فینقی از دریای احمر باقیانوس هند فرستاد و بعد از بیمودن سواحل هندوستان دور افریقا را طواف نموده پس از سه سال از محیط اتلانتیک گذشته از بوغاز جبل طارق وارد دریای متوسط شدند .

هیئت مزبور در مسافرت خود مدتی آفتاب را در طرف شمال مشاهده مینمودند و این خود دلیل بر این است که تا جنوب خط استوا رفته بودند لیکن هرودوت مؤرخ شهیر یونانی آنها را تکذیب کرده و عقیده آنها را رد نمود .

کارتاژهانیز چون مثل فینقیها اهتمام زیادی بتجارت داشتند و مجبور بمسافرت بنقاط دور دست بودند از اینراه کمک زیادی بتوسیع علم جغرافی

نمودند، ولی بدبختانه جز از مسافرت هنو که در قرن پنجم قبل از مسیح بوده اخبار صحیح و جامعی از آن مسافرتها بمانرسیده است، میگویند هنو با شصت کشتی از بوغاز جبل طارق گذشته تا جون بنین رسیده است و بعضی مدعی هستند که از رود نون تجاوز نموده است

در حدود سال ۳۲۰ قبل از میلاد ملاحی بثیاس نام از میسلیا که فعلاً به مارسیلیا معروف است سفر کرده و داخل اتلانتیک گردید پس از اطلاع بر احوال سواحل اسپانی و گل وارد انگلستان شده و بواسطه توغل در شمال بکشف جزیره موفق گردید که بعضی از متأخرین آن را ایسلاند تصور مینمایند. برخی هم آن را جتلانده و جمعی شتلانده میندازند (۱) دیگری نیز مسافرتی به اتلانتیک نمود و اطلاعات مفیدی از ممالک اروپا که برکناردریای مزبور واقع است بدست آورد

حمله اسکندر به هندوستان در سال ۳۳۰ قبل از میلاد بزرگتر خدمتی بعلم جغرافی نمود و خیلی بیش از سابق مردم باحوال آن مملکت عظیم و ممالکی که در راه آن واقع است آشنا ساخت زیرا فاتح مکدوننی تا نهر هینفاسیس که فعلاً آنرا ختلیج مینامند رسید و کاملاً پرده از روی احوال آن حدود برداشت.

اسکندر علاوه بر اینکه به هر جا قدم میگذاشت نویسندگان ملازم رکاب را مأمور ضبط وقایع و تحریر اوضاع جغرافیائی آنجا مینمود اشخاصی را مخصوص تحقیقات جغرافیائی باطراف و جوانب کسبل میداشت چنان که بعد از مراجعت هندوستان و ورود بمکران تصمیم گرفت که کشتی های زیادی ترتیب داده خود شخصاً از دهنه رود سند، بحر عمان و خلیج فارس را پیموده از تنگه شط العرب وارد خوزستان شود، ولی بعد بملاحظه اینکه مبادا در مدت غیاب قشون ساخلوی ایران بی نظم و متفرق گردد و یا باد مخالف کشتیها را بنقاط دور دست و غیر مسکون اندازد و قوتوحاش نا تمام بماند، خود از این خیال منصرف گشته، انجام این امر را به سران سپاه تکلیف نمود لیکن

بعضی از آنها از ترس و وحشت و برخی بواسطه عجله که برای مراجعت یونان و دیدار خویشاوندان داشتند از قبول این امر سرباز زده و بالاخره سردار دلیر و نامی او نارك که از همه باسکندر نزدیک تر و محبوب تر بود داوطلب این مسافرت گردید .

اسکندر چون مفارقت او برایش ناگوار بود ابتدا از اجابت ملتمس او سرباز زد ولی در مقابل اصرار نارك راضی شده و در اکتبر ۳۲۶ قبل از میلاد مشار الیه باسی کشتی بزرگ و چند کشتی کوچک از دهنه رود سند حرکت کرده بعد از چند ماه معطلی و گرفتاریها و جنگهای زیاد با مکنه سواحل سند و مکران وارد میناب گردیده پس از چند روز توقف باردوگاه اسکندر که در پنج روزی میناب متوقف بود رفته بعد از چندروز استراحت بمیناب مراجعت کرده از آنجا با همراهان خود تمام سواحل و اغلب جزایر خلیج فارس را عبور نموده از دهنه شط العرب وارد خوزستان گردید .

۱۸۹

نارك شرح مسافرت خود را در روزنامه خویش که هنوز هم موجود است روز بروز نوشته و نقاط بسیاری از قبیل جاشك، میناب، هرمز، لارك، كنگ، قیس، كنگان، بوشهر، بندر يك، دیلم، هندیان و غیره مفصلاً اسم برده است (۱) سفرنامه نارك از جمله آثار گرانبهای است که از دست تپاول روزگار محفوظ مانده و میتوان معلومات زیادی از اوضاع و اخلاق سکنه سواحل بحر عمان و خلیج فارس در آن عهد از آن بدست آورد؛ زیرا نارك اولین سردار بزرگ و ناخدای عظیم الشانی است که این دو دربارا کاملاً پیموده و جزئیات اوضاع آنجا را برشته تحریر در آورده است .

در چهار صد سال قبل تنها سفرنامه نارك محرك و هادی پرتغالیها برای فتح و استعمار خلیج فارس گردید، و میتوان گفت که انگلیسها نیز بهدایت و راهنمایی سفرنامه مزبور بخیال تسخیر هندوستان افتادند خلاصه فتوحات اسکندر کمک زیادی بتوسعه این علم نمود و اگر مدت زیادی

« ۱ » بعضی از اسامی که نارك ذکر نموده با اسامی امروزه مفارقت دارد ولی بعضی عین اسامی امروز است

عمر میگرد آثار زیاد تری بیادکار میگذارد ، زیرا نئارک مینویسد : اسکندر خیال داشت که کشتی زیادی ترتیب داده و مرا مأمور نماید که سواحل جزیره العرب را سیر کرده از بحر عمان و بحر احمر بمصر مراجعت نمایم و گویا قصد عمده اسکندر این بود که میخواست از راه دریا مرادۀ تجاری فیما بین مصر و ایران برقرار سازد

علاوه بر این نمایندگان سلوکوس که یکی از خلفاء اسکندر بود تا نهر کنک رسیده و شهر بالموتر که تصور میروود در محل الله آباد فعلی واقع بوده است دیدن نمودند .

ظاهراً یونانیها جز آنچه در کتبشان آمده یا کمی بیشتر از احوال آسیای شرقی اطلاعی نداشته اند ولی اول کسیکه با طریقه علمی مشغول فن جغرافی شده ، ایراتشینس بوده که در نصف دوم قرن سوم قبل از میلاد در اسکندریه میزیسته . مدارس علمی اسکندریه در آنوقت از کروی بودن زمین مسبوق بود ، و لذا ایراتشینس آنرا پایه تبعات خویش قرار داد ، ولی متوجه مسائل اصلی که عبارت از خط استواء و قطبین و مدارین است نبود ایراتشینس بنای جغرافی خود را بر خط موازئیکه در تمام نقاطیکه اطول ایام آن به چهارده ساعت ونیم بالغ میشود قرار داده ست

این خط تصویری از رأس و نسان در اسپانی رو بمشرق امتداد یافته ، از جزیره رودس ، آسیای صغیر ، ایران و هندوستان عبور کرده در قریه ئینا (۱) خاتمه پیدا میکند .

طول این خط موهومی بعقیده خود ایراتشینس هفتاد هزار استاده (۲) یا یکی بیش از هشت هزار میل انگلیسی بود . ایراتشینس ثوله را اقصی نقطه شمال زمین پنداشته و مسافت بین آن وزمین مسکون درجهت خط استواء ۱۴۰۰ میل انگلیسی گفته است .

(۱) قریه ئینا را در ساحل اوقیانوس شرقی و انتهای دنیا از شرق پنداشته اند « دائرة المعارف بستانی حرف ج »
 « ۲ » استاده مقیاسی است یونانی و هر استاده ۱۴۸ ذرع شاه است « مرآة البلدان جزء اول صفحه ۲۸۴ »

در آن ایام مردم معتقد بودند که ماوراء حدود معروفه آن ایام اقیانوسی است که عبور از آن ممکن نیست. ایرانشینس تصور میکرد که ممکن است بوسیله مسافرت در اوقیانوس شرقی جزایر و یا قاره دیگری را کشف نمود. بعد از مشارالیه ابرخوس بئینی که در جزیره رودس و اسکندریه زندگانی میکرد نظریات او را تعقیب کرده مقدار زیادی بر وسعت این علم بیفزود مشارالیه علم جغرافی را با قواعد فلکی وفق داده و ملاحظات زیادی بر ملاحظات علماء سابق در مسئله طول و عرض افزوده و معتقد بوده است که میتوان از مراقبت خسوف و کسوف خطوط طول را کاملاً از روی دقت تعیین نمود. ولی بدبختانه مردم با اهمیت اکتشافات او پی نبرده و در حیات او کسی نظریات او را تجربه و امتحان ننمود. یکقرن و نیم بعد از وفات ابرخوس استرابون (۱) سیاح شهیر و بزرگ یونانی ظهور کرده و رساله در جغرافی تألیف نمود که تمام معلومات و اطلاعات علماء سلف در آن جمع آوری کرد و ممالک واقعه در سواحل دریای متوسط از روی صحت و استقراء کامل وصف نمود ولی در قسمت ممالک ساحلی اوقیانوس اتلانتیک مرتکب اشتباهات زیادی گردیده است.

قبل از جهان گیری دولت روم تصورات علماء درباره شمال و شمال شرقی اروپا همه موهوم بوده و دارای هیچ قدر و قیمت علمی نیست. مثلاً راجع به سکند و نیا و روسیه و شمال آلمان هیچ اطلاعی نداشتند و در باب امتداد اروپا بجهت شمال بی اندازه مبالغه مینمودند، ولی بعکس حدود آسیا را خیلی کوتاه فرض میکردند زیرا از سیریه و تارستان و چین و ژاپون اطلاعی نداشتند، و مینداشتند که رود کنگ رو بطرف مشرق جریان دارد و از انجا با اوقیانوس شرقی میریزد، حدود شمالی آسیا را نیز به بحر خزر منتهی میدانستند و خیال میکردند که بحر خزر از محل تارستان فعلی و سیریه به اوقیانوس شرقی اتصال دارد، افریقا را نیز غیر از قسمت شمالی را نشناخته بودند و چنان عقیده داشتند که ماوراء حدود معروفه آنها يك منطقه حاره وجود دارد که بهیچوجه قابل سکونت و زندگی نیست، استرابون با آنکه بوجود دریای محیطی قائل بود امکان گردش دور افریقا را که تا آنوقت علماء قائل بودند

بکلی رد و انکار نمود

رویهها اگر چه مثل یونانیها بعلم خدمت نکرده اند و فقط شهرت و اهمیت آنها از لحاظ سیاست و جهان بانی است ولی چون برای اطلاع از احوال مستعمرات خویش و ممالک مجاور به دانستن جغرافی محتاج بودند در این باب خدمتی بسزا نموده اند (۱) اول جغرافی دان روم بمیونس میباشد که معاصر امپراطور کلودیوس بوده و رساله در علم جغرافی تالیف کرده که زمین را به دو قسمت شمال و جنوب یا معلوم و مجهول تقسیم نموده است، قسمت معلوم که عبارت از قسمت شمالی باشد به سه قسمت تقسیم کرده - ۱ اروپا و این قاره را فقط عبارت از سر زمین شمالی دریای متوسط و غربی نهر رن دانسته - ۲ افریقا و آنرا نیز فقط سر زمین جنوبی بحر متوسط و غربی رود نیل فرض کرده است - ۳ آسیا بقیه ممالکی که در آنوقت معروف آنها بوده به آسیا موسوم ساخته است و از آن وقت تا ظهور بطلمیوس اعتماد مردم در جغرافی بر کتاب استرابون و معلومات بمیونس بود، ولی بطلمیوس بدرجه در این علم مشهور شد که استرابون و بمیونس را از خاطرها محو نمود

هنکام ظهور بطلمیوس امپراطوری روم به منتهی درجه وسعت رسیده بود و باین واسطه معلومات زیادی از احوال مستعمرات خویش و ممالک و دولتهای معاصر خود بدست آورده بودند و بواسطه وسعت ملک و اطلاعات و آفری که داشتند از نظریه علماء قبل که وجود محیطی را تصور میکردند نکول کرده و حدود زمین را خیلی وسیع فرض مینمودند

* (بینه دارد) *

۱۷ « اول کسی که بطور جامع و مفید راجع به اوضاع طبیعی و جغرافی و عادات سکنه انگلستان و تاریخ انملکت چیز نوشته یولیوس قیصر معروف رومانی است - مشارالیه بعد از آنکه مدت سه سال برای مطیع ساختن گلهای ساکن فرانسه زحمت کشید در ۵۵ قبل از میلاد بخیال تسخیر انگلستان افتاد و با قشونی جرار بجزائر منوره رو آورده لیکن چون از یکطرف ساکنین جزائر بریطانی بوسیله ملاحان گلی از خیال قیصر مطلع شده بودند و از جهتی هم بادهای تند مخالف انتظام سیرکشتی هارا از هم گسیخت قیصر از بیم اینکه مبدا نتواند پیشرفت کند و شکست باعث ضعف اراده قشون شود بدون مصادمه مراجعت نمود و در بهار ۵۴ قبل از میلاد با کشتی های زیادی که روی دریا را پوشانیده بود حمله ور گردیده قسمت عمده انگلستان را فتح نمود بقیه در ۴۳ در عهد امپراطور اکتودیس بقیادت اولوس بیوتوس بتصرف رومیها در آمد ولی اسکاتلند در سال ۲۴ بعد از مسیح سرگردگی یولیوس کربسکولا فتح نمودند و از انوقت تا ۴۲۰ بعد از مسیح در تصرف دولت روم بود